



ترجمه منحصر به فرد نادر پور و ه.الف. سایه از آثار

هوانس تومانیان با تصویرسازی‌های ادمان آیوازیان

دوهفته‌نامه
اجتماعی فرهنگی
هووس

شماره ۱۰۶، ۲۳ شهریور ۱۳۹۰
سال پنجم



**دهمین سالگرد ۱۱
سپتامبر**

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:
لئون آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان

شورای نویسندگان:

کارمن آذریان

لیا خاچکیان

گارون سرکیسیان

آرمینه ملیک ایسرائلیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

ورزش: آرمان استپانیان

اشتراک: کاترین یعقوبی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین

ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰

۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

نشانی وب سایت:

www.hoos.com

وب سایت فارسی:

<http://farsi.hoos.com>

پست الکترونیکی:

hoos@inbox.com

در این شماره

- ۲ در صفحات ارمنی این شماره
۴ لغو پروتکل‌های زوریخ میان ارمنستان و ترکیه
تورج خسروی
۵ نام خلیج فارس در یک منبع ارمنی سده هفتم میلادی
گارون سرکیسیان
۶ چشم‌انداز روابط تجاری ایران و ارمنستان
شاهرخ ظهیری / لئون آهارونیان / علیرضا پیروزان
۹ ترجمه منحصر به فرد نادرپور و ه. الف. سایه از آثار تومانیان
داستان: مجله‌ای برای شش نفر
۱۲ روبرت صافاریان

بخش ارمنی

- ۲ مطبوعت حق ندارند جزئیات بودجه شورای خلیفه‌گری را منتشر کنند
۳ فهرست اسامی اعضای شوراها و ارگان‌های جامعه آرامنه
۴ بررسی بودجه شورای خلیفه‌گری در جلسه ۱۶ شهریور
آرپینه سینانیان
۵ شما چطور، اجاره‌نشین هستید؟
ک. هاکوپیان
۶ مصاحبه روزنامه آژگ با کشیش نرسیس نرسیسیان

دهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر

- ۸ ۱۱ سپتامبر: آغاز خونین هزاره سوم
۸ ژ. مناتساکانیان
۹ وقایع‌نگاری
۱۱ تعداد قربانیان
۱۲ فوروم
کولیا در هوانسیان

- ۱۴ دیدار وزیر کشاورزی ارمنستان از ایران
لئون آهارونیان
۱۷ ارمنستان در اسناد جدید ویکی لیکس
نائیرا هاپرومیان
۱۸ گزینه‌گویی
خورخه لوئیس بورخس
۲۰ هیتلر نقاش
۲۱ ویولن استرادبواربوس: ۱۶ میلیون دلار
۲۲ جریان‌های شکافنده
۲۴ ورزش
آرمان استپانیان

گوشه‌هایی از آن چه در صفحات ارمنی این شماره هویس آمده است

دومین موضوع مهمی که در اسناد ویکی/لیکس طرح شده، روابط سرژ سرکیسیان (رئیس‌جمهور کنونی ارمنستان) و روبرت کوچاریان (رئیس‌جمهور پیشین و حامی سرکیسیان) است. میکائیل میناسیان، داماد و یکی از معاونان سرکیسیان در دیدار خود با یکی از کارکنان سفارت آمریکا در سال ۲۰۰۸ گفته است که دستگیری‌ها و فشارهای بعد از انتخابات، کار کوچاریان است و سرکیسیان نفوذ زیادی بر او ندارد. او خواهان کمک سفارت آمریکا به سرژ سرکیسیان شده است.

هم او به کارکنان سفارت آمریکا گفته است که سرژ سرکیسیان قصد دارد با الیگاشی مالی کشور مبارزه کند و در این زمینه نیز خواهان حمایت آمریکا از او شده است.

در گزارش سفارت آمریکا آمده است که سفارت مایل است با سرکیسیان کار کند و از این رو اطلاعاتی را که درباره رشوه‌ها و تهدیدهای دوره پیش از انتخابات دریافت کرده است نادیده می‌گیرد. به اعتقاد نویسنده مقاله سایت/لرآگیر، این امر بدان معناست که یا سرکیسیان تصمیم خود را می‌گیرد و به سمت آمریکا می‌رود، یا اسناد تقلبات انتخاباتی او هم منتشر می‌شود.

جلسه مجمع نمایندگان ارمنه تهران و شمال

دو روز متوالی، ۱۵ و ۱۶ شهریور، مجمع نمایندگان ارمنه تهران و شمال کشور (پادگام‌اوورگان ژوروقو Padgamavorakan zhoghov)، که در حکم مجلس یا قوه قانون‌گذاری جامعه ارمنه است) جلسه داشت. در جلسه اول شورای خلیفه‌گری (تماکان خورهورد Temakan khorhoord)، که در حکم دولت یا قوه مجریه این جامعه است) کلیات برنامه و استراتژی خود را برای اداره امور جامعه در دو سال آینده به مجمع ارائه کرد. این برنامه مورد تأیید نمایندگان قرار گرفت. در این جلسه همچنین اسامی اعضای شوراهای گوناگونی که امور جامعه را زیر نظر شورای خلیفه‌گری می‌گردانند، از جمله شورای آموزش و پرورش و شورای قضایی، به تصویب نمایندگان رسید.

جلسه روز ۱۶ شهریور به بررسی بودجه جامعه ارمنه تهران و شمال اختصاص داشت که از سوی شورای خلیفه‌گری به مجمع ارائه شد و مورد



کرد. جرج بوش، رئیس‌جمهور جنگ‌طلب ایالات متحده، تبلیغات میلیتاریستی راه انداخت. وقایع‌نگاری لحظه به لحظه روز یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و نوشته کوتاهی درباره انگیزه‌های هواپیماربایانی که جان خود را از دست دادند تا به هدف‌های خود برسند، بخش‌های پرونده اصلی بخش ارمنی این شماره هویس را تشکیل می‌دهند.

ویکی/لیکس و ارمنستان

انتشار مجموعه جدید اسناد مذاکرات دیپلماتیک آمریکا با رهبران و مسؤولان کشورهای مختلف جهان شامل رشته‌ای از اسناد تازه درباره مذاکرات مسؤولان ارمنی با کارکنان سفارت آمریکا در ارمنستان هم می‌شد که اطلاعات جدیدی در بر داشتند.

برابر یکی از این اسناد، میخائیل باغداساروف، یکی از نزدیکان رئیس‌جمهور ارمنستان به یوانوویچ، سفیر آمریکا در ارمنستان گفته است که روس‌ها در ماجرای مذاکرات با ترکیه طرف ترکیه هستند و طرح حل مشکلات با ترکیه به بهای قره‌باغ، در اصل یک طرح روسی است. این امر نشان می‌دهد که مسؤولان بلندپایه ارمنی به نقش روسیه کاملاً آگاهی دارند، هرچند این امر باعث نشده است به دادن امتیازات به آن کشور، از جمله تمدید قرارداد پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان، ادامه ندهند.

۱۱ سپتامبر، آغاز خونین هزاره سوم

عملیات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ که این روزها دهمین سالگرد آن است، به راستی آغازگر واقعی سده بیست‌ویکم بود. نوزده عضو القاعده با یک برنامه هماهنگ شده چهار هواپیما را از خطوط هوایی داخلی آمریکا ربودند و در یک رشته عملیات انتحاری هواپیماها را به دو برج مرکز تجارت جهانی نیویورک و ساختمان وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، در واشنگتن دی.سی کوبیدند و نزدیک سه هزار تن را که بیش‌تر شهروندان عادی آمریکایی بودند کشتند. هواپیمای چهارم با مقاومت سرنشینان آن در برابر تروریست‌ها پیش از رسیدن به هدف (احتمالاً کاخ سفید یا ساختمان کنگره) سقوط کرد. هر آن چه در سال‌های بعدی دهه ۲۰۰۰ میلادی روی داد به راستی تحت تأثیر سایه سنگین این عملیات تروریستی اتفاق افتاد.

ایالات متحده که بعد از فروپاشی شوروی و از میان رفتن تهدید کمونیسم یا خطر سرخ دنبال یک دشمن بزرگ می‌گشت، با تروریسم بین‌المللی اعلام جنگ کرد، قوانین امنیتی شدید وضع کرد و دو کشور عراق و افغانستان را اشغال کرد. بازداشتگاه گوانتانامو را در پایگاه نظامی خود در خاک کوبا دایر کرد و در آن صدها زندانی عراقی، افغان و مسلمان دیگر را خارج از قوانین جاری کشور آمریکا به بازجویی کشاند و محاکمه نظامی

لغو پروتکل‌های زوریخ میان ارمنستان و ترکیه تورج خسروی

نام خلیج فارس در

بنا به گزارش سایت خبری *هایگان ژامانگ* به نقل از خبرگزاری *آنادولو*، مجلس ترکیه اخیراً ۸۹۸ لایحه را از دستور کار خود خارج کرده است که پروتکل‌های توسعه روابط دوجانبه و برقراری روابط دیپلماتیک بین ارمنستان و ترکیه، که در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ در زوریخ امضاء شده است نیز در این شمار است. زیرا بر طبق آیین‌نامه مجلس ترکیه کلیه اسنادی که در مجلس قبلی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، از لحاظ حقوقی در مجلس بعدی بی‌اعتبار می‌شوند. اگرچه بر اساس قوانین ترکیه، دولت یا نمایندگان مجلس جدید دوباره می‌توانند آن را به پارلمان بیاورند. لازم به ذکر است که انتخابات پارلمانی ترکیه در روز ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ (۲۲ خرداد ۱۳۹۰) برگزار شد و این مجلس کار خود را تا چند ماه بعد شروع خواهد کرد.

ترکیه مدتی بعد از امضای پروتکل‌ها در زوریخ، در پارلمان خود به بهانه‌ی حل و فصل بحران قره‌باغ کوهستانی، از تأیید آن‌ها امتناع ورزید. به همین خاطر سرژ سرکسیان نیز در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۱۰ روند تأیید پروتکل‌ها را به صورت تعلیق در آورد اما اسناد آن هنوز در مجلس ملی ارمنستان موجود است.

سؤالی که به ذهن میرسد این است که آیا باطل شدن پروتکل‌ها فقط مربوط به مقررات آیین‌نامه‌ای است یا یک رفتار سیاسی جدی‌تری در پشت آن نهفته است؟ و ترکیه دیگر نیازی به این پروتکل‌ها ندارد؟

با توجه به وضعیت جدید ایجاد شده در خاورمیانه و پیچیدگی‌های سیاست خارجی ترکیه و عدم ثبات آن، نمی‌توان به سؤال بالا به طور یقین جواب داد. به علاوه فعالیت‌های مجلس جدید ترکیه نیز هنوز شروع نشده و این امر مشکل تحلیل را دوچندان کرده است. بنابراین تنها پس از شروع به کار مجلس جدید مشخص خواهد شد که دولت تصویب پروتکل‌ها را در دستور کار قرار خواهد داد یا نه. به همین خاطر است که ارمنستان و مبتکران پروتکل‌ها تاکنون هیچ موضع رسمی را نسبت به این اقدام ترکیه اعلام نکرده‌اند و تا شروع کار مجلس جدید صبر خواهند کرد. اما حتی با عدم تصویب دستور کار پروتکل‌ها در مجلس جدید به نظر نمی‌رسد ارمنستان نیز امضا‌های

خود را پس بگیرد و آن را باطل اعلام کند زیرا ابطال آن‌ها از سوی ارمنستان چندان سودی در بر نخواهد داشت. ولی در عوض این کشور می‌تواند از آن به عنوان آلت‌رناتیو مثبتی در عرصه بین‌المللی استفاده کند.

از طرفی دیگر اگرچه پروتکل‌ها به خاطر مقررات آیین‌نامه‌ای از سوی ترکیه لغو شده است اما ممکن است مجلس جدید ترکیه تا حل مناقشه‌ی قره‌باغ آن را در دستور کار خود قرار ندهد. چون دلیل اصلی عدم تأیید پروتکل‌ها از سوی مجلس کنونی، همین مسأله و ناراضی‌تبی جمهوری آذربایجان بوده است. به همین خاطر ترکیه از فرصت به دست آمده به عنوان اهرم فشار بر ارمنستان استفاده میکند تا این کشور حفظ شرایط موجود قره‌باغ را رها کند و انعطاف بیشتری از خود برای حل مناقشه نشان بدهد.

اکنون از تب‌وتاب بازگشایی مرز زمینی میان دو طرف، بعد از گذشت ۱۷ سال، کم‌کم کاسته شده و تلاش ایالات متحده نیز تاکنون راه به جایی نبرده است، به علاوه، اظهارات سرژ سارکسیان در تاریخ ۲۳ جولای ۲۰۱۱ (۱ مرداد ۱۳۹۰) در *دز/خکاترور* تا حدودی روابط دو طرف را تیره‌تر کرده است.

رئیس‌جمهور ارمنستان در *دز/خکاترور* در پاسخ به سؤال یکی از جوانان ارمنی در پنجمین المپیاد سراسری زبان و ادبیات ارمنی که گفته بود: «آیا انتظار می‌رود در آینده ارمنستان غربی به همراه کوه آرارات به ما بازگردانده شود؟» اظهار کرده است: «تمام این موارد بستگی به شما و نسل شما دارد. فکر می‌کنم نسل من تعهدات خود را انجام داده است... اگر تو و همسالانت از هیچ تلاشی دریغ نورزید، ما یکی از برترین کشورهای دنیا را خواهیم داشت».

اظهارات سرژ سارکسیان باعث واکنش وزارت امور خارجه ترکیه شد و سخنان وی را به عنوان «دعوت به اشغال شرق ترکیه» ارزیابی کرد که این مسأله می‌تواند باعث دشمنی و انزجار میان دو ملت شود. همچنین رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، خواهان معذرت‌خواهی سارکسیان شد.

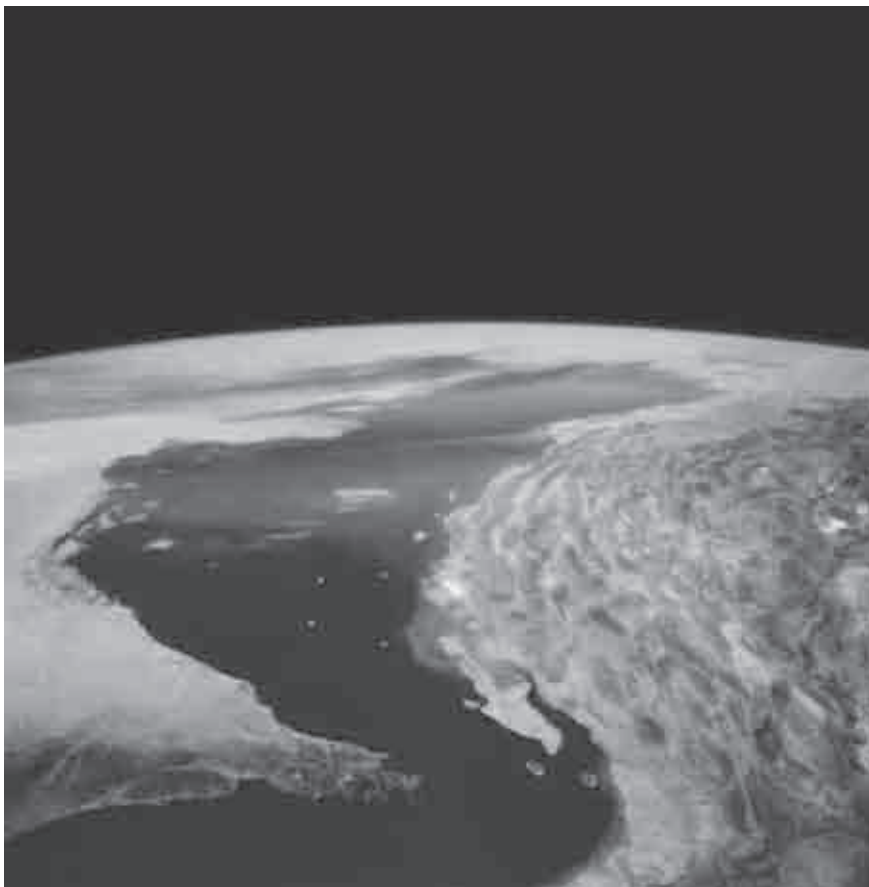
آنانیا شیراکاتسی (اهل شیراک ارمنستان) دانشمند علوم طبیعی و جغرافی‌نگار برجسته ارمنی سده ۷م. است. او در علوم پایه، نجوم، ریاضی و جغرافیا نوشته‌های ارزشمندی از خود بر جای گذاشته است. از مهم‌ترین نوشته‌های او کتابی است درباره جغرافیای جهان باستان به زبان ارمنی به نام *آشخارها تسویتس* (از واژه ایرانی *خَشْتَرَه*، *خَشْتَر*، به معنی شهر و کشور و جهان، و واژه تسویتس ارمنی به معنی نشان و نمایش؛ روی هم به معنی جهان‌نما). در سده‌های گذشته این کتاب را از آن موسس خورناتسی (موسی خورنی) مورخ بزرگ ارمنی سده ۵م. می‌دانستند، اما پژوهش‌های بعدی نشان داد که این اثر به آنانیا شیراکاتسی تعلق دارد و بین سال‌های ۶۱۰-۵۹۱م. هم‌روزگار با دوران پادشاهی خسرو پرویز ساسانی نوشته شده است. در این کتاب، که آن را می‌توان *جهان‌نما* ترجمه کرد، از جغرافیای دنیای آن زمان و کشورها و مناطق شناخته شده آن روزگار آگاهی‌های سودمندی یافت می‌شود. شیراکاتسی قاره اروپا، شمال آفریقا، آسیای خرد، قفقاز، میان‌رودان (بین‌النهرین)، سوریه، عربستان، ایران، ارمنستان، هند، سیلان، چین و هندوچین، و سه دریای بزرگ یونان (مدیترانه کنونی)، هیرکانیا (دریای مازندران) و هند (اقیانوس هند) را شرح می‌دهد.

بخش مهمی از این کتاب به شرح تقسیمات جغرافیایی ایران در زمان ساسانیان می‌پردازد. شیراکاتسی ایران را به چهار بخش یا «کوست» تقسیم می‌کند که عبارتند از: کوست نیم‌روز، کوست خوربران، کوست خراسان و کوست کاپکوه. واژه کوست در اصل به معنی جانب و سمت بوده است و اکنون نیز در زبان ارمنی با همین معنی به کار می‌رود.

آنانیا شیراکاتسی در توصیف کوست نیم‌روز، یعنی مناطق جنوبی قلمرو ایران ساسانی، از دریای پارس (به ارمنی: *پارسیتس تسوو* Parsits Tsov) و خلیج پارس (به ارمنی: *پارسیتس تسوتس* Parsits Tsots) نیز سخن می‌گوید. او دریای پارس را به درستی شعبه‌ای از دریای هند می‌داند و آن را در شمال این اقیانوس جای می‌دهد. او می‌نویسد که دریای پارس از هندوستان تا شبه جزیره عربستان گسترده است، و کشتی‌های بازرگانی که از چین به مقصد عربستان سعید (به لاتین:

یک منبع ارمنی سده هفتم میلادی

گارون سرکیسیان



آرابیا فلیکس)، یعنی سواحل جنوبی شبه جزیره عربستان (یمن و عمان کنونی) حرکت می‌کنند راه کوتاه هندوستان و دریای پارس را برمی‌گزینند. بنابراین می‌توان گفت ارمنیان که از دوران مادها و هخامنشیان با ایران در پیوند و تماس بوده‌اند این دریا را خوب می‌شناخته‌اند و نام پارسا دریای ایرانی را به صورت ارمنی پارسسیج تسوو به کار برده‌اند. ارمنیان همه آب‌های میان دو شبه جزیره هندوستان و عربستان، از جمله خلیج بنگال و دریای عمان کنونی و غیره را به یک نام، و آن هم دریای پارس، می‌نامیدند.

چنان که گفته شد، شیراکاتسی در کنار دریای پارس، از خلیج پارس نیز نام می‌برد، اما این دو مفهوم را جدا از یکدیگر می‌داند. او در شرح خلیج پارس می‌گوید این خلیج دارای یک مدخل و ورودی است به نام تنگه کرمانی که در شرق خلیج پارس و سرحد شرقی آن جای دارد. روشن است که تنگه کرمانی همان تنگه هرمز کنونی است. شیراکاتسی از مناطق هم‌جوار خلیج پارس، یعنی سه استان پارس، خوزستان و بابل نیز یاد می‌کند و موقعیت جغرافیایی آن‌ها را به درستی شرح می‌دهد. به نوشته شیراکاتسی، خلیج پارس در جنوب خوزستان جای دارد و در این خلیج، روبه‌روی استان خوزستان، دو جزیره وجود دارد. استان پارس نیز که در شرق خوزستان واقع است دو جزیره در خلیج پارس دارد.

شیراکاتسی از چند جزیره دیگر نیز در خلیج فارس نام می‌برد و همه آن‌ها را جزو قلمرو ایران و کوست نیم‌روز می‌آورد که عبارتند از: هجر (مرکز بحرین کنونی)، جزیره در (درین از جزایر بحرین)، جزیره مشماهیک (میش مهیک: جزیره‌ای در خلیج فارس میان بحرین و عمان) و مزون (نام فارسی عمان کنونی).

اما آنچه شگفتی این جغرافی‌دان را برانگیخته، آن است که آب خلیج فارس در طول شب دو بار جزد و مد می‌کند. این سخن را اصطخری، جغرافی‌دان سده چهارم هجری، نیز حدود ۳۰۰ سال پس از شیراکاتسی گفته است. وجود نام خلیج پارس در یک منبع کهن ارمنی باری دیگر تأکید بر این واقعیت است که این خلیج از دیرباز «خلیج پارس» بوده و نامی دیگر نداشته است.

پژوهش کرده‌اند. از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده، اثر ارزشمند/یران‌شهر بر اساس جغرافیای موسی خورنی نوشته ایران شناس نامی، یوزف مارکوارت است.

شیراکاتسی از دریای عربی و خلیج عربی نیز نام می‌برد، اما این دو هیچ ارتباطی با دریای پارس و خلیج پارس ندارند. بر اساس توصیف وی می‌توان گفت دریای عربی (یا عرب) در نزد شیراکاتسی همان خلیج عدن کنونی (آب‌های میان جنوب شبه جزیره عربستان و قاره آفریقا) است و خلیج عربی همان دریای باریک میان دو قاره آسیا و آفریقا است که امروزه دریای سرخ نام دارد. پس، خلیج عربی نامی است که موقعیت جغرافیایی خاص خود را دارد و نمی‌توان آن را به گونه‌ای تصنعی جایگزین نام خلیج فارس کرد.

آشخارها تسویتس دارای دو نسخه بلند و کوتاه است که هر دو بارها به چاپ رسیده. متن انتقادی ارمنی آن به همراه ترجمه فرانسه توسط آرسن سوکری در ۱۸۸۱م. در ونیز منتشر شد. این کتاب به چند زبان اروپایی ترجمه شده و پژوهشگران بسیاری درباره آن تحقیق و

منابع:

آناتیا شیراکاتسی، آشخارها تسویتس (جهان‌نما)، به کوشش آ. آبراهامیان (ایروان، سووتاکان گروک، ۱۹۷۹م.).

مارکوارت، یوزف، ایران‌شهر بر اساس جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳).

چشم‌انداز روابط تجاری ایران و ارمنستان بخشی از پرونده ویژه «ایران و تجارت با کشورهای همسایه» در ماهنامه آینده‌نگر شماره خرداد و تیر ۱۳۹۰

۳۰۰ میلیون

حجم روابط ایران و ارمنستان به ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است. پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نزدیک این رقم باز هم افزایش یابد. سرمایه‌گذاران ایرانی حضور در فضای صنعتی ارمنستان را هم به تازگی تجربه کرده‌اند. بر اساس گفته‌های رئیس اتاق مشترک دو کشور، سرمایه‌گذاران ایرانی می‌توانند در ارمنستان کارخانه صنعتی تأسیس کنند.

اولین بار هنگامی که بحث رابطه با کشورهای آسیای میانه مطرح شد بسیاری از فعالان بخش خصوصی با تردید به چنین پروژه‌های نگاه می‌کردند. از رئیس وقت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران گرفته تا تجار سرشناس کشور، چندان تمایلی به برقراری رابطه با کشورهای همسایه نداشتند. آنان طی سه دهه، به تجارت با شرق اروپا و آمریکا عادت کرده بودند ولی شرایط جدید سیاسی و اقتصادی ایران، بازرگانان را مجاب ساخت تا راهی تازه پیش گیرند. شاهرخ ظهیری نایب رئیس اتاق مشترک ایران و ارمنستان، و لئون آهارونیان رئیس اتاق بازرگانی ایران و ارمنستان، به دعوت مجله/آینده‌نگر در نشست شرکت کردند تا هم از سابقه تاریخی روابط دو کشور بگویند و هم دیدگاه‌های خود درباره گسترش روابط دو کشور را بیان کنند. محصول گفت‌وگوی این دو را به صورت یادداشت‌های جداگانه می‌خوانید.

دیریغ از یک کلبه در ارمنستان دیروز، امروز و فردای رقابت ما با ترکیه در ارمنستان

شاهرخ ظهیری (نایب رئیس اتاق بازرگانی

مشترک ایران و ارمنستان)

ارمنستان از جمله کشورهای منطقه است که بعد از فروپاشی شوروی مستقل شد و در قالب کشورهای تازه استقلال یافته قرار گرفت. بعد از استقلال سیاسی همچون دیگر کشورهای استقلال یافته تشنه توسعه اقتصادی شد. از همین زاویه است که بازار ارمنستان را به عنوان فرصتی

مناسب برای تاجران ایرانی می‌توان در نظر گرفت. امتیاز اصلی تجارت ایران و ارمنستان نیز نزدیکی

مرزهای دو کشور است. از دیگر سو، در شرایطی که ترکیه رقیب جدی ایران در اختصاص دادن بازارهای کشورهای همسایه به خود است، اما به دلیل ریشه‌های تاریخی و سابقه روابط سیاسی مسئله‌دارش، در بازار ارمنستان جایگاهی ندارد. به این ترتیب ارمنستان برای ایران یک فرصت خوب تجاری است و اتاق ایران و ارمنستان نیز که دو دهه از تأسیس و شکل‌گیری آن می‌گذرد در تکاپو است تا ضمن احداث انبارهای تجاری مهم، روابط اقتصادی و تجاری میان دو کشور را سر و سامان دهد.

اما برای توسعه سطح روابط تجاری ایران و ارمنستان نیاز به تأمین برخی زیرساخت‌ها احساس می‌شود. مسئله این است که به علت نیاز بازار ارمنستان، ضرورت احداث انبار تجاری ایران در ارمنستان وجود دارد و مسئله مهم دیگر، ساخت راه ترانزیت است. ساخت این راه ترانزیت البته نیازمند وجود باراندازها و مراکزی است که در ارمنستان وجود ندارد، اما حجم روابط فعلی نیز نیاز ارمنستان را رفع نمی‌کند.

وظیفه اتاق ایران و ارمنستان در حال حاضر توسعه ارتباطات میان دو کشور است. و در این میان به رغم تأکید فراوان اتاق ایران و ارمنستان به راه‌اندازی انبار تجاری، عمده‌ترین مسئله همچنین همین است و اگر ۵ سال پیش این طرح اجرایی شده و نتیجه داده بود، در شرایط تحریم‌های





وضع شده علیه ایران، تمام گردش مالی ایران می‌توانست از جانب ارمنستان صورت گیرد. اما با وجود همه این تعلل‌ها، در سفر رئیس اتاق ایران به ارمنستان و مذاکره با رییس بازرگانی ارمنستان، تفاهم‌نامه‌ای برای ساخت باند هواپیمایی، احداث انبار تجاری در ارمنستان و تأسیس بانک مشترکی میان دو کشور امضاء شد.

اما بزرگ‌ترین رقیب تجاری ایران در ارمنستان کشور ترکیه است و اگر ایرانی‌ها خوب عمل نکنند ترک‌ها در این بازار پیشی خواهند گرفت و در آن صورت آن‌چه در بازار رقابت ایران و ترکیه در سایر کشورهای همسایه رخ داده در ارمنستان نیز به وقوع خواهد پیوست. در ادامه اگر قرار باشد نگاهی آینده‌نگرانه داشته و از آینده وضعیت صادرات ایران به ارمنستان بر اساس واقعیت‌های کنونی بازار اقتصادی ایران سخن بگوییم، جای تأکید دارد که آینده روابط ایران و ارمنستان چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی بسیار روشن است، اگر قدر این فرصت‌ها را بدانیم. جای خوشوقتی است که هم دولت ایران و هم دولت ارمنستان علاقه‌مند به افزایش همکاری بوده و چشم‌انداز آن این است که سطح همکاری تجاری میان دو کشور به یک میلیارد دلار روابط تجاری دو جانبه توسعه یابد.

الماسی برای تجارت با ایران رقبای اصلی در روابط تجاری ایران و ارمنستان چه کشورهایی هستند؟

لئون آهارونیان (رئیس اتاق بازرگانی ایران و ارمنستان)

ارمنستان و ایران از جمله قدیمی‌ترین کشورهای جهان هستند و تعجبی ندارد اگر این دو کشور بعد از پشت سر گذاشتن دوره‌های تاریخی مختلف، امروز در جایگاه مناسبی به جهت روابط سیاسی و تجاری قرار دارند. ارمنستان حائلی میان ترکیه، قرقیزستان و ترکمنستان است و به واقع حائلی است میان روابط تجاری ترکیه و سایر کشورهای منطقه. این در حالی است که موقعیت ارمنستان، علاوه بر ایران و ترکیه، برای روسیه و چین نیز بسیار مهم است. جالب این‌که ارمنستان منابع طبیعی زیادی ندارد و تنها تعدادی معدن مس و طلا در این کشور موجود است اما سرانه درآمدهای آن کفاف جمعیت سه میلیونی ارمنستان را می‌دهد.

اما پیشینه روابط تجاری ایران و ارمنستان چیست؟ بخش خصوصی در ایران به منظور توسعه روابط تجاری با ارمنستان از حدود ۱۸ سال پیش اتاق ایران و ارمنستان را شکل داده و

حاصل فعالیت‌های این اتاق نیز تا کنون برگزاری ۱۳ نمایشگاه تجاری مشترک بوده است. درآمد حاصل از صادرات ایران به ارمنستان تا چندی پیش تنها ده‌هزار دلار بود که این رقم امروزه به ۳۰۰ میلیون دلار رسیده و پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ی نزدیک به رقم بالاتری برسد. ایران تا چندی پیش شریک هفتم تجاری ارمنستان بود و حالا شریک چهارم شده است. اما اگر قرار باشد سطح حضور تجاری ایران در ارمنستان بیش از این توسعه یابد، صادرات خودجوش و برگزاری ۱۳ نمایشگاه کافی نیست. تجارت در دنیای امروز به وسیله و ابزار نیاز دارد. اما دولت ایران وسیله و ابزار را برای صنعتگر و سرمایه‌گذار بخش خصوصی فراهم نکرده و حتی یک کلبه و اتاق و مرکز تجاری در ارمنستان برای تسهیل روابط تجاری بخش خصوصی وجود ندارد. این در حالی است که ارمنستان می‌تواند به عنوان سکوی پرتابی برای تجارت ایران عمل کند چرا که در برابر ارمنستان، اقیانوسی به نام روسیه وجود دارد و این کشور به راحتی می‌تواند به عنوان پلی میان روابط تجاری ایران و روسیه عمل کند.

کارخانه‌هایی در انتظار سرمایه‌گذاری در ارمنستان فرصت‌های زیادی برای بخش

خصوصی ایران وجود دارد. به عنوان مثال صدها کارخانه در ارمنستان وجود دارد که با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند و اگر ایران بتواند در این روزگار که با مسأله تحریم مواجه است به تولید مشترک در این کشور دست بزند، مسأله‌ای است که می‌توان آن را به تکان تجاری بزرگ میان دو کشور ارمنستان و ایران تعبیر کرد. در حال حاضر ایران بازار مواد غذایی ارمنستان را در اختیار خود دارد اما هم‌زمان می‌تواند از صادرات آبیان نیز بازار خوبی در ارمنستان به دست آورد. از سوی دیگر ارمنستان با در اختیار داشتن چراگاه‌های خوبی که به طریق علمی نگهداری می‌شود می‌تواند امکان خوبی برای ایران به وجود آورد تا با احداث کشتارگاه گوشت حلال، برای وارد کردن گوشت مرغوب ارمنی به جای گوشت برزیلی اقدام کند. اما رقبای اصلی در روابط تجاری ایران و ارمنستان چه کشورهایی هستند؟ از نظر دلاری اسرائیل رقیب اول ایران است. ارمنستان در تراش الماس تخصص بالایی دارد و از جمله فعالیت‌های اقتصادی کلیدی‌های ارمنستان، دادوستد الماسی است که از آفریقای جنوبی و سبیری به ارمنستان می‌رسد. از سوی دیگر کشور فرانسه هم در ارمنستان سرمایه‌گذاری خوبی داشته است.

کوتاه سخن این که ترس بزرگ این است که بازار ارمنستان را از دست بدهیم. به لحاظ تاریخی ارمنه میانه‌ی خوبی با ترک‌ها ندارند، اما این به آن معنی نیست که ترک‌ها با هزار روش دیپلماتیک حیات خلوت تجاری ایران را متعلق به خود نکنند.

تراز مثبت و امیدهایی که جوانه زده است چشم اندازهای روشن تجاری میان ایران و ارمنستان

علیرضا پیروزان (کارشناس روابط ایران و ارمنستان)

تراز بازرگانی ایران با ارمنستان در سال‌های اخیر مثبت بوده و امید است با امضاء موافقت‌نامه تجارت آزاد بین دو کشور، سطح روابط تجاری آن دو افزایش یابد.

مناسبات کاملاً نزدیکی میان ایران و ارمنستان برقرار است و این دامنه بسیاری از دادوستدهای اقتصادی را در بر می‌گیرد. وضعیت اقتصادی جمهوری ارمنستان در مقایسه با سال‌های گذشته، پیشرفت قابل توجهی داشته و مخصوصاً در زمینه تولیدات داخلی و راه‌اندازی واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ قدم‌های مؤثری برداشته شده است. اما دلایل توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و ارمنستان به ریشه‌های متعدد تاریخی و اجتماعی باز می‌گردد. جمهوری ارمنستان در منطقه قفقاز واقع شده و یکی از بازارهای هدف صادرات جمهوری اسلامی ایران در منطقه به شمار می‌آید و در همین حال، نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی ایران و ارمنستان در مجامع بین‌المللی می‌تواند به عنوان یک امتیاز خوب در سطح تعاملات تجاری دو کشور تأثیر داشته باشد. وجود روابط حسنه سیاسی بین دو کشور، مرز مشترک با ارمنستان و عضویت ارمنستان

در سازمان تجارت جهانی (WTO) و سایر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای نیز در توسعه روابط اقتصادی ایران با این کشور مورد تأکید بوده و هست. در همین حال نباید این نکته را از نظر دور کرد که کشور ارمنستان محصور در خشکی است و نیاز به توسعه روابط با کشورهای منطقه دارد. وجود زمینه‌های مساعد همکاری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی، صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات و زمینه‌های مساعد جهت صدور خدمات فنی و مهندسی در زمینه‌های مختلف و همکاری در زمینه انرژی، پتروشیمی، خط لوله انتقال گاز طبیعی به ارمنستان، انتقال برق، احداث سد، ایجاد کارخانه‌های تولیدی، صنعتی، استخراج معادن و گردشگری و همکاری در اجرای پروژه‌های اولویت‌دار و همکاری در دو پروژه احداث تونل گاجران در استان سیونیک و پروژه انتقال لوله گاز، از دیگر زمینه‌ها و برنامه‌های مشترک میان ایران و ارمنستان است و صادرات برخی از تولیدات به کشورهای مختلف و شرکت در نمایشگاه‌های مختلف بین‌المللی و برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در ایران و معرفی تولیدات داخلی حائز اهمیت است و ادامه این حرکت، تأثیری فوق‌العاده بر پیشرفت ارمنیان خواهد داشت. طی سال‌های گذشته در ارمنستان تغییرات اساسی در بهبود وضعیت مردم به ویژه در شهرهای بزرگ، افزایش واحدهای تجاری، کاهش بیکاری و ساخت‌وسازهای فراوان کاملاً مشهود است.

درباره مهم‌ترین برنامه‌های پیش روی صورت سرمایه‌گذاری می

برای آینده اقتصادی دو کشور باشد. از سوی دیگر اعزام رای‌زن بازرگانی به ارمنستان، توسعه همکاری‌های ترانزیتی و همکاری دوجانبه در خصوص محیط زیست رودخانه مرزی و نوار مرزی بین دو کشور از سوی کارشناسان توصیه می‌شود. همکاری در زمینه IT، و در زمینه کاهش متقابل تعرفه‌های تجاری بین دو کشور، سفر وزرای محترم بازرگانی و اقتصاد دو کشور برای برگزاری همایش فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، تبادل هیأت‌های تجاری از بخش خصوصی، و برگزاری روز اقتصاد ایران در ارمنستان، اعزام یک هیأت جهت بررسی موضوع همکاری‌های بانکی میان دو کشور نیز می‌تواند افقی مثبت پیش روی همکاری‌های تجاری ایران و ارمنستان ترسیم کند. در ادامه جا دارد به مسائل و مشکلاتی اشاره شود که تا امروز وضعیت تجارت دو جانبه میان دو کشور و به ویژه صادرات به ارمنستان را به نوعی متأثر ساخته است. وجود موانع تعرفه‌ای بین دو کشور، مشکلات مربوط به همکاری ترانزیتی (به دلیل وجود تعرفه‌ها)، مشکلات گمرکی، مشکلات سرمایه‌گذاران ایرانی در ارمنستان و عدم اجرای قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری و تجاری در ارمنستان شرکت‌ها را با مشکل مواجه ساخته است. پیشنهاد می‌شود دو کشور ایران و ارمنستان با کاهش تعرفه‌های تجاری بین دو کشور، توسعه همکاری‌های ترانزیت، فعال کردن شورای مشترک بازرگانی و صدور خدمات فنی و مهندسی در زمینه‌های مختلف، به توسعه همکاری‌های سرمایه‌گذاری دست یابند. تجهیز تأسیسات گمرکی در ارمنستان، ساخت پایانه جدید در ایروان، برگزاری سمینارهای سرمایه‌گذاری و توسعه روابط تجاری بین دو کشور در ایران و ایروان و تسریع در نهایی کردن مذاکرات موافقت‌نامه تجارت آزاد بین دو کشور نیز می‌تواند در ترسیم چشم‌اندازهای روشن تجاری میان ایران و ارمنستان مؤثر باشد. تراز بازرگانی ایران و ارمنستان در سال‌های اخیر مثبت بوده و امید است با امضاء موافقت‌نامه تجارت آزاد بین دو کشور سطح روابط تجاری آن دو افزایش یابد.

مبادلات بازرگانی ایران و ارمنستان در پنج سال گذشته					
سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
واردات از ایران (میلیون دلار)	۱۱۳،۰۱۴	۱۴۱،۰۱۰	۲۰۰،۸۵۶	۱۳۳،۹۰۱	۲۱۷،۷۱۱
صادرات به ایران (میلیون دلار)	۲۹،۰۶۵	۳۷،۳۹۷	۲۴،۴۶۸	۱۴،۰۱۹	۳۹،۶۴۲
تراز تجاری (میلیون دلار)	-۸۳،۹۴۹	-۱۰۳،۶۱۳	-۱۷۶،۳۸۸	-۱۱۹،۸۸۲	-۱۷۸،۰۶۹
مهمترین اقلام صادراتی ایران به ارمنستان			مهمترین اقلام وارداتی ایران از ارمنستان		
نام کالا	ارزش (میلیون دلار)	نام کالا	ارزش (میلیون دلار)		
قیرلخت	۵۸۵۹	حیوانات زنده از نوع گوسفند	۲۰۲۰۵		
روغن سویا (باستنا، خام) و اجزای آن	۴۴۲۲	فراشه و ضایعات از چدن	۲۰۴۷		
سایر محصولات تخت نورد شده از آهن یا فولاد	۳۷۹۶	فراشه و ضایعات آلومینیوم	۲۰۳۱		
محصولات از آهن یا فولاد	۳۶۳۷	فراشه و ضایعات باطری‌ها	۱۰۳۸		
غیر مزوج تخت نورد شده		ورق و نوار نازک از آلومینیوم، نورد شده	۶۲۳		

ترجمه منحصر به فرد نادرپور و ه. الف. سایه از آثار تومانیان



همه، بر خوان هستی میهمانیم.
همه، در این دنیای فانی
به نوبت، می آیییم و می رویم.

گنج و گاه،
مهر و زیبایی و شادی، همه گذران است.
ما از آن مرگیم و مرگ از آن ما.
اما کردار آدمی، جاودان است.

گشودن دژ تموک

آقایان!
به این سراینده‌ی دوره‌گرد، گوش بسپارید!
بانوان!
به آواز من، گوش هوش فرا دارید:

ما از همان روز بیهوده‌ی زادن

در مهرماه ۱۳۴۸ خورشیدی (سپتامبر ۱۹۶۹)، به مناسبت صدمین سالگرد تولد هووانس تومانیان، شاعر بلندآوازه ارمنی، بنیاد ادبی برادران تومانیان کتابی منتشر کرده است به نام *یادنامه تومانیان* که ترجمه تعدادی از اشعار کوتاه و دو شعر بلند او را در خود جای داده است. کتاب ارزشمندی است با چند ویژگی مهم. نخست این که مترجمان آن دو تن از شاعران به نام ایران‌اند: نادر نادرپور و ه. الف. سایه. دیگر این که دو شاعر ارمنی زبان ایران، ر. بن و گالوست خاننتس (که هر دو با زندگی وداع گفته‌اند) به نادرپور و سایه در ترجمه کتاب کمک کرده‌اند. و سه دیگر این که کتاب مزین است به تصویرسازی‌های ادمان آیوازیان، نقاش هنرمند ایرانی - ارمنی. مترجمان به اهمیت کار خود واقفند و در مقدمه کتاب می‌نویسند:

آن چه از تومانیان در این یادنامه می‌خوانید، چیزی در حد ترجمه آزاد و یا نقل قول تقریبی مفاهیم از زبانی به زبان دیگر نیست، بلکه ترجمه دقیق و سواس آمیزی است که برای یافتن هر لفظ آن، چند بار به متن اصلی رجوع شده و در این کار، همت و صلاحیت آقایان خاننتس و ر. بن، که هر دو از شاعران و نویسندگان پرمایه ارمنی‌زبانند، ما را یاری کرده است. اگر لحن برخی از اشعار در متن اصلی ساده و گاهی عامیانه است و ترجمه فارسی، بیانی آراسته و ادیبانه دارد، از آن روست که زبان شعر ما جز این اقتضای نمی‌کند.

نکنه جالب دیگری که مترجمان در مقدمه خود به آن اشاره می‌کنند این است که نسبت دادن گفتار اوائل متن منظومه‌ی گشودن دژ تموک به فردوسی، ظاهراً درست نیست و نه آن‌ها در اشعار فردوسی چنین سخنانی یافته‌اند، نه شاهنامه‌شناسان. بخش مورد بحث، این تکه از منظومه‌ی گشودن دژ تموک است:

دیرگاهی است که فردوسی جاودان
بلبل پارسی زبان، چنین گفته است:
کیست که بر پهلوان چیره تواند شد
جز زن و می

ترجمه چند شعر کوتاه، بخشی از منظومه گشودن دژ تموک و تصویرسازی‌های ادمان را تقدیم خوانندگان می‌کنیم.

تصویر سازی ادمان آپوازیان





نیک بدانید! کردار است که می ماند
چو ذکرش قرن ها می پاید .
خوشبخت آن که به یمن کردارش
زنده ی جاودان است!

کردار زشت نیز ، همیشه باقی است .
نفرین بر هر که زشت کردار است!
خواه پدرت باشد یا فرزندت!
مادرت یا همسر دلبدت!

من از نیکی سخن می گویم .
نیکی است که دل آدمی را شاد
می دارد .
کیست که کردار نیک مردان را عزیز
نشمارد؟
- گرچه دشمن باشد! -

کامتان خوش باد! گوش کنید!
اکنون داستانی برای شما می گویم
تا ببینید که سخن من
همچو تیر صیادی چیره دست
تا به کجا تواند رفت ...

شب غمگین

شب غمگین ، شب دلگیر ...
من و اندوه من ، تنها ، دو بیداریم
و می کوشیم تا شاید به یاد آریم
که آیا یکدیگر را در کجا جستیم

تو ای اندوه ، اندوه سیاه من!
تو ای یار جدایی ناپذیر ، ای همدم عمر تباه من!
بگو آیا کجا بود و کدامین روز
که دل در یکدیگر بستیم؟

پیای پیادهای تیره می آیند و می آیند ...
شب غمگین ، شب دلگیر .

نقشی از دریا

امواج عنان گسسته دریا
افراشته قد

با هجومی هولناک ، سینه بر سینه می کوفتند
و با غرشی سهمگین ، چون کوه بر می شدند .

آن جا
در فضای بی کران
و زمان بی پایان
طوفان ، با همه نیرو نفس می کشید .

افسونگر پیر ، قلم مو به دست ،
بر دریای آشفته بانگ زد:
- ایست!

اکنون
امواج تیره طوفانی
رام و خاموش ، به فرمان استاد
بر پرده نقش بسته اند .

با ستارگان

ای ستارگان ، ستارگان!
ای چشمان آسمان!

که چنین چشمک زنان
خوش می خندید ،
آن زمان نیز که من کودک بودم
شما می خندیدید .

آن زمان ، من چون شما
شاداب بودم
خندان و سبکبال ، پر می گشودم
و دردی نداشتم .

امروز هم که من ، ناتوان و درمانده ،
در غم امیدهای تباه خویش می نالم ،
باز شما می خندید .

شما بر مزار من نیز خواهید خندید!

مجله‌ای برای شش نفر

روبرت صافاریان

است و توانسته هیأت مدیره را راضی کند که به عنوان ژست فرهنگی و حمایت از گسترش زبان‌های اقلیت، این آگهی را به ما بدهند. البته تیراژ واقعی ما را هم به آن‌ها نگفته، گفته ۵۰۰ شماره چاپ می‌کنیم (ما این کار را که برای منافع شخصی خودمان نمی‌کنیم، بلکه آن را یک رسالت اجتماعی می‌دانیم. بنابراین گمان نمی‌کنیم این دروغ کوچک از نظر اخلاقی مشکلی داشته باشد. تازه او خودش هم سهام‌دار است و بخشی از این پول در واقع مال خودش است). به هر حال، برای هیأت مدیره هم ماهی چند صد هزار تومان پولی نیست، و با طیب خاطر آن را می‌پردازد. این درآمد، ما را از دردسر رفتن به کتاب‌فروشی‌ها و دکه‌های روزنامه‌فروشی و حساب صنارسه‌شاهی حاصل از تک‌فروشی مجلات و... معاف می‌کند. این طوری ما بدون هیچ درآمد و خواننده‌ای هم می‌توانیم مجله‌مان را تا ابد منتشر کنیم. یعنی تا آن‌جا که مسأله مالی و تأمین هزینه‌ها مطرح است.

البته در زمینه مالی باید به این نکته هم اشاره کنم که ما هزینه‌ای برای اجاره دفتر نمی‌پردازیم. جلسات هیأت تحریریه ما در منزل سردبیر در آشپزخانه برگزار می‌شود. البته آشپزخانه‌ی جاداری است؛ میزی که چهار پنج صندلی به راحتی دورش جا می‌شود. تعداد ما هم همین اندازه است و مشکلی نداریم. مشکل ما زن سردبیرمان است؛

نام دیالوگ است، اما سردبیر ما معتقد است که با استفاده از این نام، آن‌ها را تشویق می‌کنیم که به دنبال معنی این نام بگردند و به این ترتیب به بقای زبان محدود خودمان کمک می‌کنیم. نشانه‌های نقطه‌گذاری گفت‌وگو هم خودشان ماجرای دارند و بعد از کلی جنگ و دعوا بر سر این که نام‌های خاص را در گیومه بگذاریم یا کوتیشن مارک، که نزدیک بود به تعطیلی *ماتساخوروسوتیون* بیانجامد، این حق را به سردبیر واگذار کردیم که از هر گونه رسم‌الخط و نقطه‌گذاری که مایل است استفاده کند.

می‌گفتم. شمارگان نشریه ما جمعاً حدود هشتاد نسخه است. تعداد خوانندگانش چند نفر است؟ خوب نمی‌دانیم. خرج و دخلش چه؟ اصلاً چه طور می‌شود نشریه‌ای برای هشتاد نفر منتشر کرد؟ می‌شود. ده بیست سال پیش نمی‌شد، اما امروز می‌شود. پیشرفت تکنولوژی این امکان را به ما می‌دهد. ما مجله را دیجیتال چاپ می‌کنیم. یعنی همان هشتاد تا را. اگر سابق بود ناچار بودیم پول زینک و... را به اندازه همان چند هزار نسخه بپردازیم و هر شماره گران در می‌آمد. البته الان هم روی تک‌فروشی حساب نمی‌کنیم و اصل هزینه‌های مجله از درآمد یک آگهی همیشگی پشت جلد آن در می‌آید. این آگهی مال یک شرکت وارد کننده لوازم صوتی است که یکی از اعضای هیأت تحریریه ما هم از سهام‌داران آن

ما پنج نفریم. من، سردبیرمان، منشی، معلم و سرمایه‌دار. مجله‌ای در می‌آوریم به زبانی که تعداد اندکی آن را می‌دانند. اگر قدیم‌ها بود پیدا کردن چاپ‌خانه‌ای که حروف این زبان را داشته باشد و بتواند مطالب ما را حروف چینی کند مشکل می‌شد، اما امروز با جهانی شدن تکنولوژی و چاپ کامپیوتری دیگر نیازی به حروف مخصوص و چاپ‌خانه مخصوص نیست و ما مجله‌مان را در هر چاپ‌خانه‌ای می‌توانیم در بیاوریم. یادم رفت بگویم، اسم مجله‌مان *دیالوگ* است، چون ما از نبود گفت‌وگو در میان گویندگان زبان‌مان نگرانیم و می‌خواهیم با انتشار این مجله به گفت‌وگویی خلاق در جامعه کوچک‌مان دامن بزنیم و این جامعه را از انحصار و تک‌صدایی خارج کنیم. دیالوگ سی‌ونه نفر مشترک دارد. هشت شماره‌اش در شش کتاب‌فروشی به فروش می‌رود و هیجده شماره از آن را به کشورهای دیگر برای خوانندگانی که به زبان یاد شده آشنایی دارند می‌فرستیم. تعدادی هم رایگان به این سو و آن سو می‌دهیم. از این‌ها، چند شماره‌اش خواننده می‌شود خدا می‌داند.

نوشتن دیالوگ، و احساس آزادی و رهایی سراسر وجودم را فرا گرفت. راستش اسم نشریه ما حقیقتاً *دیالوگ* نیست. دیالوگ معنای اسم مجله ماست. مجله ما به آن زبان عجیب، *ماتساخوروسوتیون* خوانده می‌شود که یعنی همان دیالوگ. خیلی‌ها البته نمی‌دانند معنای این



آلمینا. او اولاً نمی‌تواند با این فکر که گروهی در خانه‌اش جمع شوند و او از آن‌ها پذیرایی نکند کنار بیاید. خب، چه بهتر، این هم مشکلی نیست. اما او به شیوه خودش پذیرایی می‌کند. اولاً چای به کسی نمی‌دهد و تنها قهوه می‌دهد. دوم این که انگار دلیل اصلی جمع شدن ما خوردن قهوه‌های اوست. وسط بحث داغی درباره پیدا کردن یک کلمه ارمنی برای آپوکالیپس که نزدیک است به درگیری بین دو تن از اعضای تحریریه بیانجامد، از یکی از همین دو تن می‌پرسد که قهوه‌اش را تلخ می‌خورد یا با شکر، یا وقتی یکی از دوستان مان که معلم است شعری را که یکی از همکارانش سروده برای تصویب می‌خواند، می‌پرسد پس فلانی امروز نمی‌آید؟ حالا این‌ها در حکم یک جور فاصله‌گذاری هستند که گاهی هم مفیدند و مانع حادث شدن مشاجرات می‌شوند. اما آلمینا درباره مسائل مورد بحث هم اظهار نظر می‌کند، آن هم از اتاق بغل که همیشه در آن‌جا نشسته و صدای تلویزیون را هم پایین نمی‌کشد. اوایل یکی دو بار خوش‌باورانه از او خواهش کردیم صدای تلویزیون را پایین بکشد یا یکی دو ساعتی که ما آن‌جا هستیم تلویزیون روشن نکند، اما به خرجش نرفت. ما هم که دیدیم کاریش نمی‌شود کرد، بی‌خیال شدیم. اما با دخالت‌ها و اظهار نظرهایش چه کنیم. و مشکل این‌جاست که گاهی هم اظهار نظرهایش خیلی به‌جا و درست‌اند و این بیش‌تر اعضای هیأت تحریریه را عصبانی می‌کند. در شناسنامه *ماتساخوروسوتیون* نامی از آلمینا برده نشده و خوانندگان آن نمی‌دانند او چه نقش تعیین‌کننده‌ای در محتوای نشریه دارد و من در این‌جا با صراحت این نکته را برای ثبت در تاریخ اعلام می‌کنم. به هر حال تصور جلسات تحریریه بدون آلمینا غیرقابل تصور است و من گمان می‌کنم با وجود موضوع صدای تلویزیون

و باقی مسائل، او با پذیرش این که هفته‌ای یک بار چهار پنج نفر را در خانه‌اش بپذیرد فداکاری بزرگی می‌کند، چون این را می‌دانم که کلاً با مهمان میانه خوشی ندارد و به ندرت میهمان دعوت می‌کند. او ته دلش با رسانی که همه‌ی ما این کارها را برای آن می‌کنیم همراه است و برای همین تن به چنین ایثاری می‌دهد. حتی تلویزیون هم بهانه‌ای است، چون من می‌دانم که او در طول روز بیش‌تر وقتش را پشت کامپیوتر صرف بازی سولیتر می‌کند. منتها نکته این است که از اتاقی که کامپیوتر در آن است صدای بحث‌های آشپزخانه شنیده نمی‌شود. بنابراین او تلویزیون را بهانه کرده تا حرف‌های ما را بشنود. آشکارا نگران است که

ماتساخوروسوتیون به بی‌راهه برود. مشکل اصلی ما در جلب آدم‌های جدید به مجله است. سردیرمان می‌گوید خوانندگان مان از دیدن اسم همان آدم‌های محدود، یعنی اعضای هیأت تحریریه‌مان، در بالای مقالات خسته شده‌اند. حق هم دارد. اما چاره‌ای هم نیست. خیلی تلاش کردیم آدم‌های تازه‌ای به هیأت تحریریه بیاوریم، اما نشد که نشد. یکی دو موردش یادم می‌آید. یک بار جوانی بود که پایان‌نامه دانشگاهی‌اش درباره شکل بصری حروف زبان قومی مان بود. زبان ما حروفش را نه از لاتین وام گرفته و نه از عربی. حروفش مخصوص خودش هستند. نام ابداع‌کننده این حروف را هم در مدرسه به بچه‌های مان یاد می‌دهیم و او را در زمره قدیسان قرار داده‌ایم، چون بدون او از هویت قومی مان چیزی باقی نمانده بود و *ماتساخوروسوتیون*ی هم نبود. (آلمینا، البته به شوخی، می‌گوید "چه بهتر"). حالا جوانی پیدا شده بود که به زبان امروزیان درباره زیبایی گرافیک این حروف، رساله نوشته بود. هر چند گرافیکست خودمان با این نظر موافق نبود. اما این



اهمیتی نداشت. شعار ما تکثر دیدگاه‌ها بود و ما می‌توانستیم با هرکسی کار کنیم. به هر حال از او دعوت کردیم به جلسه ما بیاید. می‌گفت مجله ما را هم یک بار دیده است. خلاصه یک بار با نیم ساعت تأخیر به آشین‌خانه ماتساخوروسوتیون آمد. اول از ما درباره خط مشی و اهداف نشریه پرسید. با شور و شوق و علاقه توضیح دادیم. کم پیش می‌آمد کسی علاقه‌مند باشد در این باره چیزی بشنود. بعد گفت چون ناچار است و یک ساعت دیگر در جای دیگری قرار دارد، مایل است نظرات خودش را بگوید و درباره جزئیات در جلسه بعد بحث کنیم. موافقت کردیم. می‌شد برای شنیدن حرف‌های یک جوان یکی دو روزی مجله را دیرتر در آورد. شروع کرد و طی چهل و پنج دقیقه سخنرانی — انگار نه انگار تازه با مجله آشنا شده بود — نقد مبسوطی بر اهداف مان کرد و گفت با مقتضیات دنیای امروز حرکت نمی‌کنیم و دوران ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و این حرف‌ها گذشته است و داریم در خودمان می‌پوسیم... از این حرف‌ها، و بعد هم گذاشت و رفت و دیگر در هیچ جلسه‌ای حاضر نشد. آشکارا سخنان دلگرم‌کننده‌ای نبودند و تأثیر خوبی روی روحیه ما نگذاشت. بدتر این که حرف‌های این جوان خیلی مستدل و منطقی می‌نمودند.

جوان دیگری که یک روز به جلسه‌مان آمد با مسأله چای و قهوه مشکل پیدا کرد. دوره‌ای بود که ما دیگر مسأله چای را کاملاً از ذهن مان بیرون کرده بودیم. این یکی را مهندس سهام‌دارمان پیدا کرده بود. می‌گفت دستی در سینما دارد و دستیار کارگردان است. این یکی البته به موقع آمد. تازه نشسته بود که آلمینا وارد آشین‌خانه شد. سردبیرمان از مهمان پرسید قهوه میل دارد؟ او هم نه گذاشت نه برداشت با صدای بلند اعلام کرد "لطفاً یک لیوان چای". همه زدیم زیر خنده. او با تعجب نگاهی به ما کرد و گذاشت. آلمینا با زیر پا گذاشتن همه اصولش داشت برای او چای درست می‌کرد و ما نمی‌توانستیم جلوی خنده‌مان را بگیریم. بالاخره وقتی فنجان چای را جلوی او گذاشتند آقا معلم‌مان ماجرای ممنوعیت چای را برای او توضیح داد. توضیحات او هنوز تمام نشده بود که مرد جوان با لیوان چای از جا برخاست و حرکت کرد به طرف سینک ظرفشویی که حوزه فرمانروایی آلمینا بود. زن سردبیر کنار کشید. مرد جوان چایی را توی سینک خالی کرد، برگشت سر جایش نشست و بعد دستش را بالا برد و با صدای بلند اعلام کرد: "یه قهوه لطفاً". سکوت سنگینی حکم فرما شد. این‌جا بود که من به میزان علاقه آلمینا به ماتساخوروسوتیون و آرمانش پی

بردم. آلمینا اول کمی جا خورد، بعد سرخ شد و بالاخره گفت: "باشه". صدایش ضعیف بود، ولی این را گفت. همه شنیدیم. آشکار بود نمی‌خواست یک کاندیدای جدید عضویت در مجله را از دست بدهیم. به هر حال این کاندیدا دیگر نیامد، اما ماجرایش در تاریخ ماتساخوروسوتیون ثبت شد. و مشکل ناتوانی جلب آدم‌های جدید — مخصوصاً جوان — همچنان به جای خود باقی ماند.

ماجرای انتقادات جوان اول، و بعد ریختن چای توی سینک، در فاصله نزدیک به هم و در زمانی اتفاق افتاد که ما نه سال بود داشتیم مجله را در می‌آوردیم و به شماره بیست و هفت رسیده بودیم. یعنی به طور متوسط هر سال سه شماره. این اتفاقات تأثیر بدی روی روحیه ما گذاشت و بحث انحلال مجله را مطرح کرد. ناگفته نماند که بحث پایان دادن به انتشار مجله، بعد از انتشار دو شماره مطرح شده بود. دلیل اصلی‌ای که برای توقف انتشار ماتساخوروسوتیون مطرح می‌شد، نبود خواننده، مخصوصاً خواننده‌ی جوان بود. آقامعلم و گاهی سردبیرمان می‌گفتند آخر ما برای کی داریم این مجله را در می‌آوریم؟ آخر کی دیده برای پنجاه تا آدم، مجله دربیابند؟ من غالباً استدلال می‌کردم که برخی از مجلات پیش‌تر در خدمت جمع منتشرکننده هستند، یعنی همان هیأت تحریریه و دور و بری هاشان. و هرگز نمی‌توانند به شمارگان بالا برسند. چه عیبی دارد، همین هم مفید است. اما حالا احساس می‌کردم دیگر این فایده را هم ندارد. ما از همدیگر خسته شده بودیم. نه سال هر هفته جلسه گذاشته بودیم. انگار حضور در این جلسات عادت ثانوی مان شده بود. حرف‌های تکراری و اختلافات تکراری که اولش می‌گفتم آموزنده و شیرین‌اند و حالا دیگر دل‌مان از تکرارشان به هم می‌خورد هم همین‌طور. بحث دیگری هم بود که بالاخره سرزمینی هست که در آن مردمش به این زبان غریب حرف می‌زنند. خب اگر خیلی نگران نابودی زبان‌مان هستیم برویم آن‌جا. می‌گفتم در سرزمین بایر نمی‌توان گل پرورش داد. سردبیرمان معتقد بود که زبان آن سرزمین اصالت ندارد چون مردمش سال‌ها تحت سلطه بیگانگان بوده‌اند و تحت تأثیر فرهنگ بیگانه هویت‌شان را از دست داده‌اند و آن‌چه از آن فرهنگ باستانی نزد ما مانده اصیل‌تر است. او مخصوصاً نسبت به واژه‌های بیگانه‌ای که به زبان آن‌ها راه یافته بود حساس بود و بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به نفوذ زبان‌های بیگانه آزارش می‌داد. این بحث یک بحث اساسی بود که می‌توانست سال‌ها ادامه پیدا کند و سال‌ها ادامه پیدا می‌کرد (و ماتساخوروسوتیون سال‌ها منتشر می‌شد) البته اگر

یک روز منشی‌مان با قاطعیت اعلام نمی‌کرد که از جلسه بعد دیگر نمی‌آید. اگر از منشی‌مان تا حالا نامی نبرده‌ام به این خاطر است که از زیاد اظهار نظر نمی‌کرد، اما کارهای عملی مجله، از حروف چینی گرفته تا ارسال مجلات به خارج و رساندن آن به دست مشترکین و غیره کار او بود و ما یک جوری احساس می‌کردیم این کارها خود به خود انجام می‌شود و وقتی او استعفا خود را اعلام کرد تازه متوجه شدیم که این کارها خود به خود انجام نمی‌شده است. جالب این‌جاست که کسی زیاد اصرار نکرد که چرا، بیا، و از این حرف‌ها. انگار همه پی بردیم که کار ماتساخوروسوتیون تمام است.

ماتساخوروسوتیون دیگر در نمی‌آید. بعد از تعطیلی مجله، یکی دو هفته‌ای احساس خوبی داشتم که ناچار نبودم دوشنبه‌ها به آشین‌خانه تحریریه بروم. گاهی با بچه‌ها به پارک می‌رفتم و گاهی بلافاصله بعد از کار به خانه می‌رفتم و استراحت می‌کردم. از این که صدای تلویزیون آلمینا را نمی‌شنیدم و از بحث "ایتالیک نوشتن کلمات بیگانه، یا گذاشتن آن‌ها توی گیومه" رسته بودم احساس آسایش خوبی داشتم. اما این وضعیت دو سه ماه بیش‌تر طول نکشید. بعد دلم برای آن آشین‌خانه تنگ شد. برای معلم‌مان با آن همه اصرارش روی اهمیت جایگاه واژگان در شعر، برای سردبیرمان با جدیتش برای نجات قوم، برای آلمینا و سؤال‌هایش درباره اندازه شکر قهوه، برای سرمایه‌دارمان و احساس گناهش درباره دروغی که به هیأت مدیره‌شان گفته بود، خلاصه برای همه چیز. اما مهم‌تر از همه برای جای خالی ماتساخوروسوتیون. این احساس که چیزی نابود شد. دیگر جمعی نیست. آشین‌خانه‌ی خالی عصرهای دوشنبه. آلمینا دوشنبه‌ها چه کار می‌کند؟ این احساس که در جاهای دیگر همین طوری چیزهایی دارند نابود می‌شوند. احساس خلاء. احساس اندوه. به خودم می‌گفتم خب این اجتناب‌ناپذیر است. اما این هم کمکی نمی‌کرد.